



اقتصاد ایران،

نگاه‌ها

براساس آمار منتشره از سوی بانک مرکزی طی ۹ ماهه اول سال ۷۴ متوسط شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نسبت به دوره مشابه سال قبل ۵۲ درصد افزایش داشته است. طبق ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی اعلام می‌شود و نیز حداقل بیشتر یک خانوار (معمولاً پنج نفره) تعیین کند.

محمد دانشور نماینده کارگران در شورای عالی کار در گفتگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: براساس آمارهای منتشره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۷۳ متوسط هزینه یک

خانوار شهری پنج نفره ماهانه حدود ۶۷ هزار تومان و درآمد خانوار مذکور نیز حدود ۵۴ هزار تومان در ماه بود. این آمار نشان می‌دهد که فاصله هزینه اداره خانوار و درآمد آن در کل جامعه به نسبت زیاد است. این درحالی است که حداقل دستمزد یک کارگر برای سال ۷۴ حدود ۱۶ هزار تومان تعیین شده است. فاصله بین هزینه و درآمد در کل جامعه و فاصله آن با حداقل دستمزد یک کارگر بسیار زیاد و قابل تأمل است که چه گونه یک کارگر می‌تواند با این دستمزد امرار معاش کند. (روزنامه سلام ۳۰ بهمن)

شورای عالی کار افزایش ۲۲/۳ درصد به متوسط دستمزد کارگران در سال ۷۵ را تصویب کرد. در حالی که تورم سال آینده کشور بیش از ۵۰ درصد پیش‌بینی شده است و به این ترتیب قدرت خرید اقشار حقوق‌بگیر جامعه به نصف کاهش خواهد یافت، افزایش ۲۲/۳ درصدی متوسط دستمزد کارگران حتماً نتوانسته است قدرت خرید فعلی این گروه را حفظ کند، چه رسد به آن که قدرت خرید آن‌ها را نسبت به تورم پیش‌بینی شده جامعه افزایش دهد. (روزنامه سلام ۱۰ اسفند)

دکتر ملک افضلی معاون بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رشد جمعیت کشور را ۱/۸ درصد اعلام کرد و گفت: نوجوانان و جوانان زیر ۱۵ سال ۴۳ درصد جمعیت کشور (۲۵ میلیون نفر) را تشکیل می‌دهند. (روزنامه سلام ۱۰ اسفند)

بودجه سال ۷۵ کشور در رقم ۱۱۳/۴ و ۱۳۸ میلیارد ریال تنظیم شده که نسبت به بودجه سال جاری ۴۳/۸ درصد رشد نشان می‌دهد.

نخستین ملاحظه درباره‌ی بودجه همین رشد ۴۳/۸ درصدی است. در هدف‌های بودجه کاستن از حجم بخش دولتی پیش‌بینی شده است. آیا رشد بودجه در چنین رقم انبوه، سبب توسعه‌ی حجم بخش دولتی نخواهد شد؟ از سوی دیگر این سؤال مطرح است که آیا این بودجه‌ی هنگفت نرخ تورم را افزایش نخواهد داد؟ پاره‌ای از دست‌اندرکاران بودجه اظهارنظر کرده‌اند که چون ارقام درآمد و هزینه پیش‌بینی شده در بودجه برابر و به اصطلاح بودجه متعادل است، دولت ناچار نیست از بانک مرکزی قرض بگیرد و نهایتاً بودجه تورم‌زا نخواهد بود. این استدلال در اقتصاد امروز - چندان محل اعتبار نمی‌تواند باشد.

در نظر داشته باشیم بودجه سال جاری کشور نیز به صورت متعادل تنظیم و تصویب شد و طبق استدلال طرفداران نظریه تورم‌زا نبودن بودجه‌ی متعادل، می‌بایستی امسال تورمی نمی‌داشتیم. در حالی که برنامه پنج ساله رقم تورم سالانه ۱۳/۲ درصد را پذیرفته بود، اما در ۹ ماه اول امسال تورم به رقم ۶۰ درصد نزدیک شد که رقمی بی‌سابقه محسوب می‌شود.

گام ارزنده‌ای که در بودجه‌ی سال آینده - برای اتمام طرح‌های نیمه تمام ملی و استانی برداشته شده فروش اوراق مشارکت عمرانی است. اگر این امر خوب سامان داده شود می‌تواند از جهات مختلف نمرات نیکو برجای گذارد که مهم‌ترین آن مشارکت عمومی در طرح‌های ملی و سازندگی است. دیگر این که این امر زمینه واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی را فراهم می‌کند و بالاخره از این طریق تورم‌زایی طرح‌ها به حداقل می‌رسد و سرمایه‌های را که در راه سوی امور تولیدی و مولد رهنمون می‌شود. موفقیت در این راه بستگی به میزان سودی که این اوراق به خریداران می‌دهد و نحوه‌ی اداره کردن این امر مهم دارد. در بودجه سال آینده عرضه ۳۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت، پیش‌بینی شده است که از محل اعتبارات طرح‌های مربوط در طول برنامه‌ی دوم، اصل و سود و جایزه‌ی اوراق مذکور بازپرداخت خواهد شد.

معضل عمده‌ای که هم‌اکنون در کشور ما وجود دارد و هر سال بر پیچیدگی آن اضافه می‌شود مسأله اشتغال است. اخیراً گزارشی از اتاق کردستان داشتیم که اظهار می‌داشت ۲۵ درصد از نیروی قادر به کار در آن استان بیکار هستند و از مقامات مسئول استمداد می‌کرد که با استقرار واحدهای تولیدی در آن استان از میزان بیکاری بکاهند. ارقام منتشره حکایت از ۱۲ درصد نرخ متوسط بیکاری در کشور می‌کند. (نامه اتاق بازرگانی - نگاهی دقیق‌تر به لایحه بودجه سال آینده)

آقای عسگر اولادی گفت: اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان یک عامل مؤثر برای سامان دادن به بازگشت ارز به داخل محسوب می‌شود. در سال ۷۳ ارزهای صادراتی کم‌تر به داخل باز می‌گشت و به همین منظور دولت سیاست‌های جدیدی را در اوایل امسال به اجرا گذاشت که باعث یک افت موقت در کار صادرات شد اما به تدریج برطرف می‌شود. با توصیه‌هایی که مجلس برای تشویق صادرات به دولت نموده پیش‌بینی می‌شود در سال آینده حدود پنج میلیارد دلار صادرات غیرنفتی انجام شود. (روزنامه رسالت ۱۲ بهمن)

آقای مرتضی نبوی گفت: سرانه هائون‌گذاری در کشور ما بسیار ناچیز است و برای تدوین قوانین کارشناسی شده و تحقیقی نیاز به هزینه داریم. اگر قانونی بخواهد جامع‌نگری داشته و بتواند تورم را خوب پیش‌بینی کند باید در سرانه قانون‌گذاری تحول ایجاد شود. وی در مورد میزان افزایش بودجه مجلس گفت: بودجه مجلس از ۲۶ میلیارد و ۱۳۶ میلیون ریال در سال جاری برای سال ۷۵ به ۴۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون رسیده که علت آن هم نکاتی بود که بیان شد. (روزنامه رسالت ۱۲ بهمن)

دکتر احمد شاهرکی استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی گفت: یکی از مهم‌ترین عوامل

ایجاد تورم در چند سال گذشته کسری شدید بودجه دولت بوده است، به طوری که در برخی از سال ها کسری بودجه دولت به ۵۰ درصد نیز رسید. اگرچه طی دو سال گذشته کسری بودجه ظاهراً به صفر رسیده است ولی کسری بودجه پنهان به حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. کسری بودجه پنهان به این خاطر ایجاد شد که دولت به جای پرداخت مستقیم اعتبار به شرکت های تحت پوشش خود، سیستم بانکی را موظف به پرداخت این اعتبارات نمود که این امر کماکان اثر تورمی به همراه داشته است. وی یکی دیگر از دلایل ایجاد تورم ساختاری اقتصاد را ناشی از افزایش بی رویه سهم دولت در فعالیت های اجرایی جامعه ذکر کرد و گفت: در حال حاضر سهم دولت از فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیش از ۵۰ درصد برآورد می شود، در حالی که متجاوز از ۷۰ تا ۷۵ درصد درآمدهای ارزی نفت را نیز خود دولت در این راستا خرج می نماید. (روزنامه رسالت ۲۲ اسفند)

آقای الویری دبیر شورای عالی مناطق آزاد تجاری، صنعتی گفت: طبق آخرین بررسی های مرکز آمار ایران، ۱۰ درصد غنی ترین افراد جامعه ۲۷/۳ برابر فقیرترین اشخاص درآمد دارند. این درحالی است که در اغلب کشورهای توسعه یافته این نسبت به زیر ۱۵ قرار دارد... کل صادرات غیرنفتی ما پنج درصد تولید ناخالص داخلی است که این میزان در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است... عدم اشراف عده کثیری از نمایندگان با مقولات اقتصادی، سبب شد تا مجلس در تمام دوره های خود از آزادی مصادیقی مصون نماند و بسیاری از تصمیمات سازنده اقتصادی که در مقاطعی می توانست کارساز باشد صورت نگیرد. (روزنامه سلام ۳ اسفند)

آقای الویری: بالا بودن حجم نقدینگی، پایین بودن تولید و بالا بودن سرعت گردش پول، علل اساسی شکل گیری تورم در کشور است.

رشد چشمگیر نقدینگی بخش خصوصی در کشور ما عمدتاً برمی گردد به کسری بودجه های متوالی سال های جنگ که درآمدهای دولت شدیداً کاهش یافته بود اما هزینه جنگ بر بودجه دولت سنگینی می کرد. بعد از جنگ هم، اگرچه استقراض دولت از بانک مرکزی محدود شد و در سال ۱۳۷۲ به صفر رسید. اما استقراض بالای شرکت های دولتی از بانک مرکزی حجم نقدینگی را به میزان زیادی افزایش داد.

تولید کالا و خدمات در زمان جنگ به قیمت ثابت رشد منفی داشته و محصول ناخالص سرانه در سال ۱۳۶۷ به حدود نصف ۱۳۵۶ رسید. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۷/۳ درصد رشد یافت. علی رغم رشد تولید در سال های اخیر رشد خیلی بیشتر نقدینگی اجازه نداده است افزایش تولید در مهار تورم آثار مثبت

خود را ظاهر کند.

... ما در سال ۱۳۶۷ به نقطه ای رسیده بودیم که درآمدهای دولت حتا نیمی از هزینه ها را پوشش نمی داد و لذا حدود نصف بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می شد. (روزنامه اخبار ۱۸ و ۱۹ بهمن)

خیلی ها فکر می کنند مهم ترین معضلات کشور مشکل اقتصادی است. در حالی که من مقدم بر مشکلات اقتصادی توسعه نیافتگی سیاسی را عاملی برای توسعه نیافتگی اقتصادی می دانم.

یک تفکر الان وجود دارد و می گوید که دموکراسی و فضای باز سدکننده و مخرب توسعه اقتصادی است برای این که بایستی در یک کشور با قدرت تمام حاکمیت تصمیم بگیرد عمل کند و جلو هرگونه مخالفتی را بگیرد و به اصطلاح هرگونه صدای مخالفی را در گلو خفه کند تا این که برنامه جلو برود و مثالی که می زند کره جنوبی است که در آنجا به وسیله نظام هایی که حاکم شدند و دیکتاتوری کردند آن وقت توسعه هم اتفاق افتاد. من کاملاً با این نظر مخالف هستم. اولاً مثالی که در مورد کره جنوبی می زند قابل تطبیق با ایران نیست، کره جنوبی به صورت تابلویی به وسیله آمریکا در مقابل کره شمالی علم شد و حمایت های گسترده آمریکا را داشت و ثانیاً اصلاً دوره تمرکزی عمل کردن به آن مفهوم و تعطیل کردن دیدگاه ها و نظرات سپری شده است. در یک زمانی بود که ممکن بود به وسیله یک رادیوی یک موج یا ۲ موج که دولت اداره می کند و روزنامه ای که دقیقاً خود دولت می تواند زیر کلید داشته باشد تمام جامعه را از نظر فکری و سیاسی کنترل کند و زیر نظر داشته باشد. حالا سؤال این است که در چنین زمانی حتا اگر دولت بخواهد آیا امکان پذیر است چنین کنترلی را برقرار نماید؟ مسأله تکنولوژی تمام دنیا را تبدیل به یک مجموعه کرده لذا حتا اگر دولتی هم بخواهد بسته عمل کند تکنولوژی های موجود اجازه چنین کاری نمی دهند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم

مردم به وسیله رادیو، کامپیوتر و شبکه اطلاع رسانی اینترنت و نظیر این ها از تمام دنیا مطلع می شوند و در یک چنین فضایی امکان بسته عمل کردن نیست. پس بنابراین راه منطقی این است که ما شرایطی را به وجود آوریم که دیدگاه هایی که مثبت نگر هستند دلشان به حال مملکت می سوزد یعنی اکثریت نزدیک به تمام جامعه با همدیگر جمع بشود و گره بخورد. مهم ترین اولویتی که اهداف توسعه در کشور ما می تواند داشته باشد. رهایی از اقتصاد تک پایه نفتی از طریق توسعه صادرات است، علت این است که ما در ۱۵ سال آینده با مشکلات اساسی مواجه خواهیم شد. اگر به صورت جدی در زمینه صادرات غیرنفتی جای پای مناسبی را در دنیای قرن ۲۱ پیدا نکرده باشیم. ما در آینده نه چندان دور یعنی فقط در ۱۵ سال آینده از زمره کشورهای

صادرکننده نفت خارج خواهیم شد به دلیل کاهش ذخایر نفتی و هم به دلیل افزایش مصرف فرآورده ها در داخل کشور که به زعم کارشناسان نفتی تقریباً در سال ۱۳۸۷ ما به چنین نقطه ای خواهیم رسید.

دو راه برای توسعه کشور برابمان باقی مانده است یکی استراتژی جایگزینی واردات یعنی جامعه را به طرفی ببریم که همه چیز را داخل کشور خودمان تولید کنیم و اصلاً نیازی به دلارهای نفتی نداشته باشیم. راه دوم استراتژی توسعه صادرات است یعنی صادرات را تنوع بخشیم و زیاد کنیم و به وسیله دلارهایی که به دست می آوریم نیازهای خودمان را تأمین کنیم.

این دو استراتژی آزمایش های خودشان را در دنیا پس داده اند و استراتژی جایگزینی واردات و رفتن به سوی خودکفایی تز شکست خورده دهه های ۱۹۳۰ - ۱۹۶۰ است و دلایل آن روشن است یعنی وقتی که ما درهای مملکت را به روی خودمان ببندیم و سعی کنیم همه چیز را خودمان تأمین کنیم به دلیل قطع ارتباط ما با تحولات تکنولوژی کاملاً از دنیا عقب خواهیم افتاد و به هیچ وجه قدرت رقابت با بازارهای جهانی را نخواهیم داشت و از کاروان پرتحرک و پتابان این قرن کاملاً عقب افتاده و منزوی می شویم.

برای توسعه صادرات چند شرط لازم است اولین شرط منطقی کردن نرخ ارز است برای این که به هر حال ما حلقه ارتباطی مان با اقتصاد جهانی به وسیله نرخ ارز است و اگر این حلقه ارتباطی درست عمل نکند و قیمت منطقی خودش را نداشته باشد پالس های غلطی را دریافت می کنیم. آن وقت تولیدکننده و صادرکننده گمراه خواهند شد. مطلب دوم که در کار صادرات می تواند مؤثر باشد بازاریابی منطقی است.

نکته مهم دیگری که در توسعه صادرات اهمیت دارد بالا بردن بهره وری عوامل تولید در کشور است. به دلیل وجود بوروکراسی اداری، عقب ماندگی زیربناها و پایین بودن وجدان کاری، قیمت تمام شده کالا و خدمات در کشور، بالا است. ما زمانی می توانیم در بازارهای جهانی رقابت کنیم که با قیمت پایین تر و کیفیت بهتر وارد صحنه شویم... جذب سرمایه های خارجی و ایجاد مشارکت های داخلی و خارجی می تواند برای فعال کردن صادرات مهم باشد. برای این که وقتی ما سرمایه گذار خارجی را می آوریم و در یک پروژه این جا مشارکت می کند و کالا تولید می کند او بازاریابی خودش را قبلاً انجام داده بنابراین بار ما را برای ارزیابی جهانی سبک می کند و چون تکنولوژی جدید را می آورد بنابراین خودبه خود کالایی تولید می شود که قدرت رقابت بتواند در بازارهای جهانی داشته باشد. (از مصاحبه آقای مرتضی الویری با هفته نامه بهمن) □